

به روایت درخت

«جُستارهایی در ایمان و معنویت»

صدیق قطبی

www.ketab.ir



نشر ایش

۱۴۰۳



سرشناسه: قطبی، صدیق، ۱۳۶۳-

عنوان و نام پدیدآور: روایت درخت جستارهایی در ایمان و معنویت/ صدیق قطبی؛ ویراستار سارا سلیمانی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات الیش، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۵۴۴ ص، ۵۳۱ حواله، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۲-۹۳-۴

وضعیت فهرست نویسی: فبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۳۵-۵۴۴.

عنوان دیگر: جستارهایی در ایمان و معنویت.

موضوع: ایمان (اسلام)

Faith (Islam)

راه و رسم زندگی (اسلام)

Conduct of life -- *Religious aspects -- Islam

راه و رسم زندگی (اسلام) -- شعر

Conduct of life -- *Religious aspects -- Islam -- poetry

زندگی معنوی

Spiritual life

اسلام -- عقاید -- شعر

Islam -- Doctrines -- Poetry

شاعران ایرانی -- نقد و تفسیر

.Poets, Persian -- Criticism, interpretation, etc

رده بندی کنگر: ۲۲۵ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۶۰۶۰۳



نشر اریش

به روایتِ درخت

(جستارهایی در ایمان و معنویت)

صدیق قطبی

ویراستار: سارا سلیمانی

طرح جلد: شبانه باقری

صفحه آرا: امید مقدس

چاپ و صحافی: آذین

چاپ نخست: ۱۴۰۳

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۲-۹۳-۴

بها: ۵۰۰ هزار تومان

این اثر تحت حمایت قانون مؤلفان و مصنفان قرار دارد. هرگونه کپی برداری از کتاب به هر شکل بدون اجازه کتبی ناشر پیگرد قانونی دارد.

www.arishpub.com
info@arishpub.com

@arishpublication
@arishpub

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل اول: آمدنم بهر چه بود؟	۱۳
فصل دوم: پنجره‌ای باز به دنیای وجود	۲۹
فصل سوم: مثل یک گلدان می‌دهم گوش به همسپیش روییدن	۶۷
فصل چهارم: زیرکی بفروش و حیرانی بخر	۸۳
فصل پنجم: تا توانی دلی به دست آور	۱۱۹
فصل ششم: چون نیلوفر و ناز	۱۵۷
فصل هفتم: یا بگذرد یا بشکند کشتی در این گرداب‌ها	۱۷۷
فصل هشتم: این چه درخت است؟	۱۹۵
فصل نهم: کدام دین؟ کدام مذهب؟	۲۲۵
فصل دهم: صورتگران نقاش	۲۵۳
فصل یازدهم: با تو هر جزو جهان باغچه و بستان است	۲۶۹
فصل دوازدهم: در کنار خویش یابم هر دمی من بوی یار	۳۱۹
فصل سیزدهم: از خویش برون آمدم چون شکوفه که از شاخ درخت	۳۷۱

فصل چهاردهم: در جهان جوینده جز او بیش نیست	۴۰۵
فصل پانزدهم: دلبری های قرآن	۴۱۹
فصل شانزدهم: بدین راه و روش می رو که با دلدار پیوندی	۴۶۱
فصل هفدهم: ای به یادت هی هی و هی های من!	۴۸۱
فصل هجدهم: خانه خویش آمدی، اندر آ، شاد آمدی	۴۹۹
حکایت هم چنان باقی ست	۵۱۹
کتاب نامه	۵۲۳

مقدمه

این درختان اند همچون خاکیان^۱
دستها بر کرده اند از خاکدان
سوی خلقان صد اشارت می کنند
و آن که گوش استش عبارت می کنند
با زبان سبز و با دست دراز
از ضمیر خاک می گویند راز

در چشم مولانا درخت همچون انسانی است که دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده است و از رازهای خاک سخن می گوید. به صد اشارت، به صد عبارت. با زبان سبز سخن می گوید و با دست‌هایی که به نشانه طلب، گشوده اند. دست‌هایش را از خاک بیرون آورده و در پی رهیدن و آزادی است. سالکی است در هوای رهایی. درخت در چشم مولانا، عارفی رازگو است. درخت، با زبان سبز و دست‌های گشوده اش روایتگر کدام معانی است؟

هر برگ و هر درخت رسولی ست از عدم
یعنی که کشت‌های مصفا مبارک است
چون برگ و چون درخت بگفتند بی زبان
بی گوش بشنوید، که اینها مبارک است...

۱. خاکیان: آدمیان

یعنی که هر چه کاری، آن گم نمی شود
کس تخم دین نکارد الا مبارک است^۱

هر درختی پیام آور امید و معنا است. امید به اینکه کشت های مصفا مبارکند. ثمر می دهند. بذرهایی نیکو، بی حاصل نیستند. هر برگ و هر درخت در چشم او، رسول و پیامبری است که ما را به شعورمندی هستی توجه می دهد. حرف برگ و درخت، البته به زبان متعارف نیستند، از این رو گوش های متعارف هم ناتوان از فهم آنهاند. می گوید اشارت درخت را بی گوش بشنوید. با دل بشنوید. عارفان از ما می خواستند جهان را بخوانیم و فهم کنیم. چونان متنی که باید معنای آن را جست.

در چشم سعدی، درخت، نیایش گر است. دست ها را از سر نیاز بالا برده و برگ و نوایی استعدا داد. گویی با خدای خویش در نجواست که مرا بپوشان، مرا بپوشان... به من خلعتی بخش. و استواری او در عرض حاجت و ابراز نیاز، شایسته اقتدا است. به درخت خزانگی باید اقتدا کرد که دست های خالی اش را بلند می کند و از تهی بودن بیم ندارد.

بیا تا بر آریم دستی ز دل

که نتوان بر آورد فردا ز گل

به فصل خزان در نینیی درخت

که بی برگ ماند ز سرمای سخت

بر آرد تهی دستهای نیاز

ز رحمت نگردد تهیدست باز

پندار از آن در که هرگز نیست

که نومید گردد بر آورده دست

قضا خلعتی نامدارش دهد

قَدَر میوه در آستیش نهد
همه طاعت آرند و مسکین نیاز
بیا تا به درگاه مسکین نواز
چو شاخ برهنه برآریم دست
که بی برگ از این بیش نتوان نشست^۱

در قرآن کریم آمده است:

«سخن پاک همچون درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخ و برگش در آسمان است که میوه اش را هر دم به خواست پروردگارش می دهد.»^۲

«کلمه طیبه» را به درختی مانند می کند که سر بر آسمان دارد و همه وقت میوه می بخشد. درخت، رازی ایمان و بخشنده گی است. ایمان درخت را در گشودگی و دل سپردگی اش به آسمان و آفتاب و باران می توان جُست؛ در اعتماد غبطه انگیزش در موسم زمستان و امید ریشه داری که به بهار دارد.

این کتاب با الهام از طرز بودن درخت، سیاحتی است در سپهر ایمان و معنویت. مجموعه یادداشت هایی که اینجا گرد آمده اند به تفاریق و طبی چندین سال نگاشته شده اند و به انتخاب و تنظیم خانم سارا سلیمانی در کنار هم نشسته اند. از تلاش های ارجمند ایشان در سامان گرفتن این کتاب، صمیمانه سپاسگزارم.

امیدوارم کتاب پیش رو، پنجره ای باشد.

۱. بوستان سعدی، باب دهم

۲. سوره ابراهیم: ۲۴-۲۵، ترجمه محمدعلی کوشا